



قرآن

قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم) اختصاص پیدا کرده است گفته می‌شود. و چنان‌که برخی علما گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتب آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.^[۱]

فهرست مندرجات

- ۱ - اقسام معانی قرآن
 - ۱.۱ - جامد
 - ۱.۲ - مشتق
 - ۱.۳ - برگرفته از قرء
- ۲ - دلایل قوی‌ترین اقوال
 - ۲.۱ - دلیل اول
 - ۲.۲ - دلیل دوم
 - ۲.۳ - دلیل سوم
 - ۲.۴ - دلیل چهارم
- ۳ - وظایف مسلمانان
 - ۳.۱ - وظیفه عملی
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

اقسام معانی قرآن

در معنای قرآن وجوه پنج‌گانه ای گفته شده است [۲] [۳] که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

← جامد

قرآن، اسمی جامد و غیرمشتق و علم ارتجالی است و بدون آن‌که پیشینه استعمال در زبان عرب داشته باشد، خداوند به عنوان اسم خاص برای وحی‌ای که بر پیغمبرش نازل فرموده، قرار داده است؛ مثل تورات و انجیل که اسم برای کتاب‌های حضرت موسی(ع) و عیسی(ع) هستند (شافعی).

← مشتق

الف) مشتق از قرن الشیء بالشیء؛ یعنی چیزی را به چیزی ضمیمه کردن. علت این نامگذاری، مقرون بودن سوره‌ها و آیات و حروف به یکدیگر است (اشعری و جمعی دیگر).
ب) قرآن، مشتق از قرائن، جمع قرینه است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند و بعضی بعض دیگر را تأیید می‌کنند. هر آیه از قرآن، قرینه آیات دیگر است (فراء).

← برگرفته از قرء

الف) از قرء به معنای جمع گرفته شده است. عرب وقتی بخواهد بگوید: آب را در حوض جمع کردم، می‌گوید: قرات الماء فی الحوض. علت این نامگذاری، آن است که این کتاب همه ثمرات کتب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است (ابن اثیر، زجاج و...).
ب) بر وزن رحجان و غفران، مشتق از ماده قرا به معنای تلاوت است. در این‌جا از باب تسمیه مفعول به مصدر، مقروء، یعنی خوانده شده و یا خواندن، به نام قرآن، یعنی خواندن به کار رفته است؛ مثل آن‌که کتاب، که به معنای نوشتن است، به مکتوب (نوشته شده) اطلاق می‌گردد (لحیانی و جمعی دیگر).

دلایل قوی‌ترین اقوال

از میان اقوال پنج‌گانه فوق، قول پنجم از همه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

← دلیل اول

زرقاتی پس از رد سایر اقوال، همین قول را اختیار نموده است.^[۴]

← دلیل دوم

القراءة ضم الحروف و الكلمات بعضها الي بعض في الترتيل...؛ فراءت به معنای پیوند و ضمیمه نمودن حروف و کلمات به یکدیگر در هنگام ترتیل است. [۵]

← دلیل سوم

و قوله: «ان علينا جمعه و قرأه» ... القرآن هاهنا مصدر كالفرقان و الرجحان، و الضميران للوحي، و المعني: لاتعجل به، اذ علينا ان نجمع ما نوحيه اليك بضم بعض اجزائه الي بعض و قرأته عليك [۶] از آیه فوق به خوبی برمی آید که اگر حتی آن گونه که **ابن اثیر** گفته است، اصل در واژه قرآن معنای جمع باشد، به خاطر تقارن این واژه با واژه جمع در آیه شریفه ناگزیر قرآن به معنای قراءت و خواندن خواهد بود وگرنه تکرار آن امری لغو و بیهوده بوده، با **فصاحت** قرآنی منافات دارد.

← دلیل چهارم

دلیل دیگر که نظریه پنجم را تقویت می کند، امر «اقرا» در نخستین **وحی** بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که بی تردید به معنای «بخوان» است. لفظ قرآن نیز نخستین بار در آیه چهارم از **سوره مزمل** نازل شده که مطابق حدیث معروف **جابر بن زید** و **ابن عباس**، سومین **سوره** در ترتیب نزول سوره هاست. [۷] در این آیه، دستور چنین است: «و رتل القرآن ترتیلاً؛ [۸] و «قرآن» را شمرده شمرده بخوان.» در آخرین آیه از همین سوره نیز بار دیگر در یک فرمان همگانی اعلام می شود: «فافرؤا ماتیسر من القرآن؛ [۹] هرچه از «قرآن» میسر می شود، بخوانید.» بدیهی است که منظور در هر دو آیه، قرآن خواندنی است. نتیجه آن که روشن ترین و مناسب ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرا به معنای تلاوت کردن است.

وظایف مسلمانان

خداوند دو وظیفه اصلی و مهم برای مسلمانان نسبت به کتاب الهی بیان کرده است. خداوند در آیه ۶۲ **سوره بقره** می فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ؛ [۱۰] آنچه به شما داده شده را با قوت بگیرید.» این گرفتن باید به دو شکل علمی و عملی باشد. یعنی **تدبر** و فهم دقیق و عمیق و عمل درست و کامل. از **امام صادق (علیه السلام)** ذیل همین آیه می پرسند: «اقوه فی الابدان ام قوه فی القلوب؛ آیا به نیروی جسمها یا دلها؟» آن حضرت می فرماید: «فیهما جمیعاً؛ به هر دو» [۱۱] خداوند در آیه ۲۹ **سوره ص** می فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛ [۱۲] این کتابی مبارک است که به سوی تو فرستاده شده تا در آیات آن تدبر کنی.» و در آیه ۲۴ **سوره محمد** نیز می فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ [۱۳] چرا در قرآن تدبر نمی کنید، آیا بر دلهاشان قفل نهاده شده است؟»

← وظیفه عملی

این دو آیه وظیفه علمی ما را نسبت به قرآن بیان می کند. اما درباره وظیفه عملی نیز می فرماید که **مسلمانان** باید این گونه باشند: «كانهم بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ» [۱۴] یعنی مسلمانان باید به گونه ای عمل کنند که دیگر نفوذ ناپذیر شوند و کسی قصد و نیت حمله پیدا نکند. باید اهل **استقامت** و پایداری در **دین** باشند: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ [۱۵] پس، همان گونه که دستور یافته ای، ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می دهید بیناست.» مسلمان باید به گونه ای باشد که **دشمن** وقتی می آید می بیند که نمی تواند نفوذ کند و «وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غُلْظَةً؛ [۱۶] باید در شما غلظت و ستبر و سختی باشد» که کسی دیگر **طمع** نرزد. البته در میدان **جهاد** باید حمله کرد و غلظت داشت: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ [۱۷] با **کفار** و **منافقان** جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!» اما در حالت عادی نمی خواهد این گونه رفتار کنید بلکه باید کسی که از بیرون شما را ببیند دزدی استوار و نفوذناپذیر ببیند و لازم نیست حمله کنید تا غلظت و ستبری خود را در حمله به نمایش بگذارید، بلکه همین غلظت و ستبری و سختی را در شما بیابند. پس وظیفه هر مسلمانی نسبت به قرآن این است که در آن تدبر کند و مفاهیم آن را بفهمد و در مقام عمل به شدت بر عمل به آن مراقبت و مواظبت نماید و کوتاه نیاید و از **حدود الهی** تجاوز نکند و اجازه تجاوز و عصیان ندهد.

پانویس

- ↑ راجع اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راجع، ج ۱، ص ۴۰۲.
- ↑ بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۲ - ۳۷۴.
- ↑ سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.
- ↑ زرقانی، محمد، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.
- ↑ راجع اصفهانی، حسین بن محمد، راجع، مفردات، ص ۶۶۸.
- ↑ طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۹.
- ↑ سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۱.
- ↑ مزمل/سوره ۷۲، آیه ۲.
- ↑ مزمل/سوره ۷۲، آیه ۲۰.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۶۲.
- ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۳۶.
- ↑ ص/سوره ۲۸، آیه ۲۹.
- ↑ محمد/سوره ۴۷، آیه ۲۴.
- ↑ صف/سوره ۶۱، آیه ۴.
- ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۲.
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۷۲.

